Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

پژوهش نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۰
صص ۱۳۸ـ۱۰۷ (مقاله پژوهشی)

No. 28, Spring & Saummer 2021

مقدمات و روش تبدیل بینانشانه‌ای قرآن (با رویکرد تصویرسازی از آیات قرآن)

کمال صحرائی اردکانی[۱]، حمیدرضا محبی[۲]، محمدرضا محمدی وشنوه[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۱۱/۱ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱/۱۴)

چکیده

تبدیل بینانشانه‌ای، جایگزینی نشانه‌های یک متن در یک نظام نشانه‌ای با نشانه‌های متناظر آن در نظام نشانه‌ای دیگر می‌باشد. چنین فرایندی در گذشته انجام می‌شده اما با یک دیدگاه بسیار ابتدایی؛ مانند تصویرسازی بر مبنای یک متن. ولی اکنون پیچیدگی‌های متعدد علمی، هنری، تحلیلی و آموزشی یافته است. ضمن استفاده از علوم ریشه‌داری چون ترجمه و زبان شناسی، از مزایای چندین علم جدید نیز بهره برده است. قرآن کریم که اقیانوسی پرگهر و بی‌ساحل است، با داشتن ظرفیت‌ها و زمینه‌های گسترده‌ی ادبی، بلاغی، هنری و غیر آن، امکانات بسیار مناسبی برای تبدیل بینا نشانه‌ای از خود برجای می‌گذارد. محصول این تبدیل غالباً در جرگه‌ی یکی از انواع هنرها قرار می‌گیرد در نتیجه ابزار و روش‌های پرشمار آن هنرها در این میدان قابل استفاده‌اند. روش‌های تبدیل بینا نشانه‌ای شامل راه‌های رسیدن به چنین تبدیلاتی است؛ در مبدأ این راه‌ها همان علوم معمول ترجمه، بلاغت، تفسیر و امثالهم لازم است؛ اما در مسیر و مقصد آن، علوم و فنون دیگری مانند فلسفه هنر، مبانی هنرهای تجسمی، نشانه شناسی، روان‌شناسی و... ضرورت دارد. این پژوهش با روش توصیفی- تبیینی و با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای دریچه‌ای است به سوی کشف و مدل‌سازی روش تبدیل بینا نشانه‌ای قرآن. در این روش با بیان قدم به قدم فرایند تبدیل بیانشانه‌ای قرآن، طیّ ده مرحله، سعی شده مسیر روشنی برای این کار ارائه شود.

کلید واژه‌ها: قرآن، هنر قرآنی، تصویر قرآنی، تبدیل بینانشانه‌ای.

---

۱. استادیار دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول)؛ sahraei@meybod.ac.ir
۲. استادیار دانشگاه یزد، یزد، ایران، hmohebii@yazd.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، میبد، ایران؛ mmohammady143@gmail.com

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

مقدمه

در دوران کنونی نقش رسانه‌ها و رفتار ارتباطی انسانها بسیار متفاوت از گذشته شده‌است؛ هرکس بتواند پیام خود را فراگیرتر، سریع‌تر و زیباتر به مردم دنیا منتقل کند، بهتر و بیشتر مورد پذیرش قرار می‌گیرد؛ حتی اگر آن پیام مقرون به صحت نباشد یا غلط باشد؛ یعنی مسیر و شکل ارسال پیام مهم‌تر از محتوای آن شده است.

با وجود منابع عظیمی همچون قرآن و روایات و در اختیار داشتن تاریخ و سیره معصومان(ع) در میراث اسلامی، محتواهای ارزشمند بسیاری برای جهت دهی صحیح به زندگی مردم در دسترس است. اگر آن منابع به شکل جذاب و هنری به نمایش در آیند، از تاثیرگذاری بیشتری برخوردار خواهند شد؛ چنان که در پاره‌ای از ادوار به ویژه در دهه‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم. تصویرسازی هنری داستان‌های قرآن، پویا نمایی مفاهیم اخلاقی آموزه‌های دینی، فیلم و سریال‌های برگرفته از قصص قرآنی و سیره معصومان(ع)، پوسترسازی و کارهای گرافیکی از روایات پیشوایان دینی و مواردی از این دست، نمونه‌هایی از تلاش‌هایی است که در این عرصه به منصه ظهور رسیده است.

در این راستا، با توجه به اهمّیت و افزایش روزافزون این‌گونه فعالیت‌ها که به نوعی بدیل‌هایی خاص از متون اسلامی می‌باشند، کشف روش‌های رسیدن به چنین بدیل‌هایی ضروری می‌نماید.

لازم به ذکر است که معمولاً هنرمندان قرآنی، از دو جهت بر روی قرآن کار کرده‌اند. برخی صرفاً به طراحی جلد قرآن با تصاویر هنری و یا تذهیب صفحات قرآن و یا به کارگیری انواع خوشنویسی اسلامی و حکاکی زیبا و بدیع از آیات قرآن بر روی چوب، فلز، سنگ و امثال این موارد همت گمارده‌اند و برخی دیگر با توجه به مضامین آیات، تصاویری را در قالب عکس، پوستر، نقاشی، مجسمه سازی، پویا نمایی و فیلم خلق کرده‌اند. این تحقیق به دنبال تجزیه و تحلیل و ارایه روش برای فعالیت‌های دسته دوم است.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

۱- تعریف موضوع

این تحقیق با عنوان "مفاهیم و روش تبدیل بینانشانه‌ای قرآن (با رویکرد تصویرسازی از آیات قرآن)" طرح می‌شود. منظور از تبدیل بینانشانه‌ای، "جایگزینی نشانه‌های یک متن در یک نظام نشانه‌ای با نشانه‌های متناظر آن در نظام نشانه‌ای دیگر با انتقال معاتی" می‌باشد؛ مثلاً جایگزینی نشانه‌های نظام نشانه‌ای کلامی با نظام نشانه‌ای تصویری یا صوتی و... و برعکس آن. همچنین اگر دو سوی تبدیل غیرکلامی و با نظام‌های نشانه‌ای متفاوت باشد، باز هم تبدیلی بینانشانه‌ای صورت می‌گیرد؛ لیکن اگر دو سوی تبدیل، نظام‌های نشانه‌ای یکسان باشد، از این جرگه خارج می‌گردد؛ مثلاً تبدیل کلام به کلام یا تصویر به تصویر. اینکه کلام بتواند به غیر ماهیت خودش تبدیل شود، بحث‌های فراوانی دارد که در این مقال به بخش بسیار کوچکی از آن و به صورتی کلی پرداخته شده است.

عده‌ای از متخصصان معتقدند که این تبدیل می‌تواند نوعی ترجمه محسوب شود؛ مثلاً زبان شناسی روسی به نام رومان یاکوبسن[1] در سال ۱۹۵۹ حوزه نظریه ترجمه را به سه بخش زیر تقسیم می‌کند:

الف) ترجمه *درون‌زبانی*: به معنای جایگزینی نشانه‌های یک زبان به جای نشانه‌های دیگری از همان زبان. مثل ترجمه یک لغت در یک زبان به لغتی دیگر در همان زبان.

ب) ترجمه *بینازبانی*: عبارت است از تعبیر نشانه‌های یک زبان با نشانه‌های زبانی دیگر. مثل این که لغتی را در زبانی به زبان دیگری ترجمه کنیم.

ج) ترجمه *بینانشانه‌ای یا تبدیل*: که در آن نشانه‌های یک زبان به نشانه‌های نظام غیرزبانی منتقل می‌شود.[2] مثلا زمانی که یک متن نوشتاری را به موسیقی یا یک نقاشی بدل کنیم. (یاکوبسن، ۴۲۹؛ برونو اسیمو، درس۱۳)

عبارت "...*یا تبدیل*" در قسمت ج نشان می‌دهد که خود یاکوبسن هم اصراری بر بکارگیری واژه ترجمه ندارد؛ هرچند این تبدیل را در تقسیمات ترجمه قرار داده است.

---

1. Roman JAkobsón.

۲. دانشمندان بعدی این معنا را توسعه داده‌اند و لزومی ندیده‌اند که مبدأ این تبدیل را نظام کلامی در نظر بگیرند.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

اما برخی دیگر با ادله خود چنین چیزی را نمی‌پذیرند؛ امبرتو اکو[1] از جمله آن هاست. او در ترجمه نامیدن این فرایند تردیدی جدی دارد؛ مبنای تردید او آن است که در این فرایند محتوا با دقت قابل قبولی از طریق ترجمه، قابل حدس و بازتولید نیست و برای آن که چنین فرایندی ترجمه نامیده شود، باید چنین امکانی وجود داشته باشد. (پاکتچی، ۹)

هرچند که این نظر اکو را دکتر احمد پاکتچی در کتاب خود تحت عنوان "ترجمه بینانشانه‌ای از نظریه تا کاربرد" با ادله خود به چالش می‌کشد؛ اما نگارنده نمی خواهد با پرداختن به چنین مطالبی، هدف اصلی تحقیق را به مُحاق ببرد. (نکـ : پاکتچی، ۸ تا ۱۳)

از گذشته چنین تبدیلاتی کاربرد داشت ولی در حوزه زبان شناسی و نشانه شناسی قرار نمی گرفت. البته این بدان معنا نیست که در تحقیق پیش رو تبدیل بینا نشانه‌ای صورت خواهد گرفت؛ بلکه آنچه مورد نظر است، بررسی روشهای این تبدیل و ارائه روشی جدید با مبدأ قرآن است؛ تمرکز این روش جدید در نوع خاصی از تبدیل بینا نشانه‌ای یعنی تبدیل نشانه‌های متن قرآن به نشانه‌های تصویری است.

قرآن کریم دارای ظرفیت بسیار بالایی در چنین تبدیلی است؛ چراکه در بین آیات، جملات، کلمات و حتی برخی حروف قرآن جلوه‌های هنری بسیار و متنوعی است که زمینه‌های گسترده و ارزشمندی از این‌گونه تبدیلات را فراهم می‌کند؛ از قبیل تمثیلات، تشبیهات، داستان سرایی‌ها، صحنه‌پردازی‌ها، تصویرگری‌های کلامی، همنوایی‌های لفظی و معنوی، موزون و مسجع بودن و .... .

به واسطه تبدیل بینا نشانه‌ای قرآن پیام‌های بلند، ارزش‌های گران‌مایه و زیبایی‌های لایتناهی آن بهتر و گویاتر دیده خواهد شد؛ هرچند که هیچ‌گاه بدیلهای آیات قرآن، خود آیات قرآن نیستند.

واژه "نشانه" معطوف به علم نشانه شناسی و موضوع آن است. این واژه معنایی وسیع و گسترده دارد؛ این معنا مشتمل بر عناصر هر دو طرف چنان تبدیلی می‌گردد؛ مثلاً وقتی

---

1. Umberto Eco ؛ نظریه‌پرداز برجسته در علم نشانه‌شناسی

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

یک طرف تبدیل کلام است و طرف دیگر تصویر، هم لفظ را می‌توانیم نشـانه بـدانیم و هـم عناصر تصویر را. در عناوین آینده، برای روشن شدن نقش علم نشانه شناسی در تبدیل بینا نشانه‌ای توضیحات کامل تری داده خواهد شد.

عبارت "بینانشانه‌ای" در واقع یعنی "بین نظام‌های نشانه‌ای"؛ نظام نشـانه‌ای مجموعـه‌ای از نشانه‌های هم جنس و مرتبط با هم را شامل می‌گردد؛ مانند نظام نشانه‌ای زبانی، نظـام نشـانه‌ای تصویری و... . در نتیجه تبدیل بینانشانه‌ای یعنی تبدیل بین دو نظام نشانه‌ای مختلف.

برای تبدیل بینا نشانه‌ای بایستی روش صحیح علمی به کار گرفته شـود. ایـن پـژوهش قصد دارد پس از بیان مفاهیم مرتبط با این نوع تبدیل، روشـی بـدیع بـا رویکـرد تصـاویر قرآنی برای آن ارایه دهد. پرداختن به روش‌های تبدیل بینا نشانه‌ای قرآن به نتایج کاربردی فراوانی منتهی می‌شود؛ از جمله: ایجاد زمینه‌هـای درسـت و مناسـب بـرای هنرمنـدان بـه خصوص نقاشان و تصویرگران جهت تصویرگری آیات قرآن و کمک به مفسران جهت بهتر دیدن و درست‌تر تصور نمودن آیه و فضای آن در مورد آیات دارای تصویر و زمینه‌سـازی برای اثبات اعجاز هنری و تصویری قرآن به وسیله کشف مختصات و شاخصه‌های منحصر به فرد تصاویر آیات و غیره.

۲- ضرورت و ارزش افزوده تبدیل بینا نشانه‌ای قرآن

اگر انسان متنی را از روی کتابی بخواند یا برایش با لحن و نوای خاصی بخوانند یـا بـه همراه آن موسیقی هم بنوازند و یا آن متن را به عکسی متناظر با محتوای متن تبدیل کننـد و یـا از روی متن فیلمی بسازند و انسان تماشاگر آن باشد، همه و همه در اندازه و عمـق دریافـت او مؤثرند. هرچه قوای ادراکی وحسّی انسان بیشتر درگیر شـود، تأثیرپـذیری او بیشـتر مـی‌گـردد اصطلاح «چند رسانه‌ای»[1] ناظر به چنین رویکردی است که درباره ارزش افزوده آن جـای هـیچ تردیدی نیست. در نتیجه اگر تبدیل بینانشانه‌ای به صورت هنرمندانـه‌ای و بـا کمـک ابـزار فهـم انجام گردد، می‌تواند در فهم متن و آموزش آن مؤثرتر باشد؛ همچنـین در پـرورش و انگیـزش

1. Multimedia

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

افراد در جهت اهداف متن نقش بسزایی ایفا خواهد کرد.

از طرفی هر قدر متن غنی‌تر باشد، زمینه تبدیل به نظام‌های نشانه‌ای دیگر را بیشتر داشته، اثربخشی و ارزش افزوده بیشتری خواهد داشت. در اینجا ما با قرآن سر و کار داریم که غنی‌ترین متن پذیرفته شده نزد همه مسلمانان و حتی برخی غیر مسلمانان است. کشف و نمایش هرچه بهتر ظرایف و زیبایی‌های قرآن برای کمک به هدایت و تربیت انسان امری ضروری است.

۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به ارزش افزوده و ضرورت تبدیل بینا نشانه‌ای که در عنوان قبل بحث شد و رویکرد جدیدی که به درستی برخی برنامه‌ریزان، طراحان، و هنرمندان، به انتقال مفاهیم قرآنی به واسطه ابزار هنر به مخاطبان داشته‌اند، ضرورت طرح و تبیین روش‌های چنین انتقالی که همان تبدیل بینانشانه‌ای می‌باشد، مشخص می‌گردد؛ وقتی یک نقاش متناسب با آیه‌ای از قرآن تصویری را می‌کشد، یا یک پویانما[1] برای کودکان یک پویانمایی تولید می‌کند و یا یک کارگردان فیلمنامه‌ای قرآنی را در دستور کار خود قرار می‌دهد، باید بداند چه حدود و شرایطی را لازم است رعایت نماید؟ از کدام راه و به چه طریق و با کدام ابزار باید به این امر اقدام نماید؟ کدام عوامل و زمینه‌ها برای اینگونه کارها ضرورت دارد؟ چه مفاهیمی از قرآن قابلیت تصویری دارند؟ سطح و فضای کار چگونه باید باشد؟ چنین تبدیل‌ای چه نتایج علمی، آموزشی، تربیتی و فرهنگی دارد؟

اگر هریک از افرادی که به نحوی با چنین مواردی سرو کار دارند، مبانی نظری و روشی برای پیشبرد کار خلاقانه‌ی هنری خود نداشته و درک درستی از آن پیدا نکنند، نه تنها به درصد بالایی از اهداف تربیت قرآنی نخواهند رسید، بلکه امکان دارد نتایج معکوسی به بار آورد و اثرات نامطلوبی در مخاطبان داشته باشد.

---

1. animator

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

این تحقیق حرکتی هرچند کوچک، در راستای پاسخگویی به بخشی از سؤالات مطروحه در این باره است.

٤- مروری بر مطالعات انجام شده

کشف و نمایش هرچه بهتر ظرایف و زیبایی‌های قرآن از گذشته مورد نظر عده‌ای از پژوهشگران قرآنی بوده است؛ گروهی با ابزار ادبیات و علم بلاغت به این امر مبادرت می‌ورزیدند. سیدقطب (۱۹۰۶-۱۹۶۶)[۱] با توصیف هنری آیات به این کار اقدام کرد. دیگران شاخ و برگ بیشتری به همان توصیف هنری دادند. اما عده‌ای سعی کردند با نمایش عینیِ تصویری و تجسمی آیات، اقدام به این امر نمایند.

بر مبنای جستجوی انجام شده، بحث درباره تبدیل بینانشانه‌ای قرآن، دارای پیشینه مدون و مشخصی نیست. اما به لحاظ نزدیکی مفهومی و مشابهت نسبی این بحث به موضوع تصویرپردازی قرآنی، سابقه تصویرپردازی قرآنی هم مورد بررسی قرار گرفته است؛ سید قطب اولین کسی است که بطور جدّی به این مقوله پرداخت. وی با نوشتن کتاب "التصویر الفنّی فی القرآن" گام مهم خود را در نشان دادن آفرینش هنری قرآن و بُعد تصویر آفرینی آن برداشت. بعد از وی افراد مختلفی چون: عبدالسلام راغب، احمد یاسوف، حمید محمد قاسمی، حسین سیدی، آزاده عباسی و دیگران به شرح و تدوین و ترجمه در باب تصویر آفرینی قرآن و ابعاد مختلف آن پرداختند. نگارنده با بررسی در منابع مختلف، تقریباً ۱۵۰ عنوان تالیف، مرتبط با هنر و تصویرگری در قرآن یافته است که البته تمامی آنها با عنوان و محتوای پژوهش مورد نظر تفاوت جدّی دارند و نافی ضرورت پژوهش حاضر نمی‌باشند؛ چرا که هیچ یک از آنها از دریچه تبدیل بینانشانه‌ای وارد بحث نشده‌اند و درصدد ارایه مقدمات و روش مربوطه نیستند.

---

۱. سیدقطب بن ابراهیم، روستا زاده‌ای مصری بود که عضو جبهه اخوان المسلمین و از رهبران انقلاب مصر بود. اندیشه‌های اصلاحی او نقش به سزایی در شکل‌گیری نهضت‌های اسلامی قرن بیستم داشت. وی صاحب کتب و مقالات مشهوری در موضوعات مختلف است؛ کتاب "التصویر الفنی فی القرآن" او در نمایش جلوه‌های هنری قرآن زبانزد است.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

اما هدف اصلی زمینه سازی برای انجام درست‌تر و دقیق‌تر تبدیل بینا نشـانه‌ای آیـات قرآن با تبیین روش مربوطه است و اهداف فرعی عبارتند از:

۱. ارایه روشی نو تبدیل بینا نشانه‌ای قرآنی.

۲. تلاش برای تحصیل الگویی برای تصویرگران قرآنی.

۳. نشان دادن تصویری واضح‌تر از آیات مورد بحث.

۴. کشف هرچه بیشتر زیبایی‌های هنری بصری قرآن با بدسـت آوردن کیفیّـات بصـری بیشتر و دقیق تر.

۵- نشانه‌شناسی؛ مفهوم و شناسایی

ابتدا باید به این نکته توجه داشت که برای انجام تبدیل بینانشانه‌ای و یا گفتگـو دربـاره آن، الزاماً نیازی به دانستن علم نشانه‌شناسی نیست؛ چرا که از دوران افلاطون و ارسـطو در غرب تا دوران سعدی و حافظ در شرق و از زمان تمدن‌های ایران و روم و چین در گذشته تا عصر کنونی، افرادی به تبدیل‌های بین‌رسانه‌ای یا بینانشـانه‌ای دسـت زده‌انـد کـه حتـی اصطلاحات امروزی آن را نمی‌دانستند؛ لیکن علم نشان‌شناسی برای بهتر و منسجم‌تر عمـل کردن در چنین تبدیل‌هایی، ابزارهای خوب و کارآمدی در اختیار می‌گذارد و به محتویـات ذهن کنش‌گر نظم و ساختار می‌دهد.

در فلسفهٔ غرب، هیوم یکی از اولین افرادی است که واژهٔ semeiotike را در سال ۱۶۹۰ در رساله "دربارهٔ فاهمهٔ بشر" به کار برد. (Hume, 4, 21). قبـل از او هـانری سـتوبس[1] در سال ۱۶۷۰ کلمهٔ semiotics به معنای «تفسیر کنندهٔ نشانه‌هـا» را بـرای اشـاره بـه یکـی از رشته‌های علم طب مربوط به تفسیر نشانه‌ها بکـار بـرد. در قـرن‌هـای ۱۹ و ۲۰ مـیلادی فیلسوفان، پژوهشگران و متفکران متعددی به بررسی نشانه‌ها و مسائلی که به آنهـا مربـوط می‌شود، پرداختند. کسانی مانند رولان بارت[2]، آلفراد تارسکی[3] معانی مختلف نشـانه‌هـا و

1. Henry Stubbes.
2. Roland Barthes.
3. Alfred Tarski.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

روابطی که میان آنها وجود دارد، را بررسی کردند در حالی که افرادی مانند چالرز ساندرز پیرس[1] بر رابطه میان نشانه‌ها و تفسیرکنندهٔ آنها و نیز میان نشانه و عالم خارج تأکید کردند. (اَملی رضوی‌فر، ۶)

در تعریف نشانه‌شناسی اقوال مختلفی بیان شده که هر کدام تا حدی بیانگر حقیقت این علم است؛ لیکن از نظر نگارنده، تعریف زیر نسبت به سایر تعاریف از جامعیت بیشتری برخوردار است:

«نشانه‌شناسی علمی است که هدف خود را شناخت و تحلیل نشانه‌ها و نمادها، چه آنها که به صورت زبان گفتاری یا نوشتاری درآمده‌اند و چه آنهایی که صورت‌های غیرزبانی دارند ، اعم از نشانه‌های فیزیولوژیک، بیولوژیک، نظام‌های معنایی، نظام‌های ارزشی، نشانه‌های نمادین، جهان بینی‌های گوناگون و حتی همه اشکال حرکتی، حالتی، موقعیتی خودآگاه یا ناخودآگاه، تاکتیکی، استراتژیک، فکر شده یا نشده و ... اعلام می‌کند.» (فکوهی، ۳۰۰-۲۹۹). به طور کلی هدف و مقصود نشانه‌شناسی، مطالعه نظام‌های نشانه‌ای مانند زبان‌ها، رمزها، نمادها، نشانه‌های علامتی و مواردی از این دست است. نشانه‌شناسی یکی از بهترین روش‌های کارآمدی است که با ایجاد معنی و یا به تعبیر رولان بارت با "فرایند معنی‌دار شدن" سر و کار دارد. (استرتیناتی، ۱۵۳).

نشانه‌شناسی در تحلیل آثار هنری و تصویری، تبلیغات، معماری شهری، دکوراسیون، تولید ابزارهای صنعتی، روانکاوی، نظرات ادبی، مردم‌شناسی، فلسفه، دین‌شناسی[2] و... کاربرد دارد. این علم یکی از تفسیری‌ترین روش‌های تحلیل متن می‌باشد. موفقیت آن به توان پژوهشگران در تبیین نمونه‌ها بستگی دارد. از سمت مقابل، میزان ادراک افراد از نشانه‌ها به میزان و کیفیّت سابقه ذهنی آنها از نشانه‌ها بستگی دارد.

نشانه یا علامت عبارت است از «آنچه که سبب شناختن کسی یا چیزی شود؛ علامت،

---

1. Charles Sanders Peirce (1839-1914).

۲. مثلا نماد ستاره داوود و شمعدان ۷ پایه در یهودیت و یا نماد صلیب در مسیحیت و یا نماد هلال ماه در اسلام و غیره برای پیروان این ادیان مفهوم و مهم است.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

نشان. اثر، حصه، بهره. خال، شامه. هدف، تیر، آماج. فرمان دولتی و رسمی مبنی بر انتصاب کسی به سمتی. شعار.» (معین، ۱۹۴۱). این واژه در زبان انگلیسی معادل با واژه "sign" است. نشانه چیزی است که بر وجود چیز دیگری دلالت دارد که آن چیز دیگر می‌تواند واقعیت، کیفیت یا حالت و... باشد. (The American Heritage® Dictionary of the English Language, sign) "نشانه عنصری اساسی در ارتباطات است و شامل نشانه‌های زبانی (حرف‌ها، واژه‌ها و...)، غیر زبانی (تصاویر، اشیاء و ...) و در کل هر چیز دیگری را که بتوان از آن معنایی استنباط کرد، می‌شود." (The Concise Oxford Dictionary of Literary Terms, sign)

نشانه در علم نشانه‌شناسی تقریباً متناسب با معانی یاد شده تعریف می‌شود؛ یک تعریف اصطلاحی ساده از نشانه، چیزی است که دالّ بر چیز دیگر باشد؛ مثلاً یک لفظ دالّ بر معنای آنست، تصویر یک خورشید دالّ بر درخشندگی، نور، گرما، زیبایی و ... است.

چارلز ساندرز پیرس و فردینان دوسوسور به عنوان بنیانگذاران علم نشانه شناسی معروفند که هر یک بصورتی متفاوت در این باره نظر داده اند.

بر خلاف معناشناسی که فقط به بررسی معنای کلمه‌ها اختصاص می‌یابد، نشانه‌شناسی به بررسی سایر انواع نشانه‌ها هم می‌پردازد. از این‌رو، مفاهیم، صداها، حرکات و... می‌توانند نشانه محسوب شوند. پیرس هر شیء‌ای را که به گونه‌ای اطلاعی می‌دهد، نشانه می‌دانست. این تعریف بسیار گسترده و نه تنها شامل امور بیرونی (حقیقی و قراردادی) مانند قوانین علمی یا علائم جاده‌هاست؛ بلکه امور مربوط به انسان مانند صوت، افکار و احساسات، زبان، اشاره... را نیز در بر می‌گیرد (اَملی رضوی‌فر، ۸).

۶- انواع نشانه

برای نشانه انواع و اقسامی بیان شده است که در این مورد نیز اجماعی وجود ندارد. به نحو خلاصه در اینجا تقسیم‌بندی پرکاربردی را از منظر پیرس بیان می‌کنیم:

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

۱- شمایل: نشانه‌ای است استوار بر شباهت صوری میان دالّ و مدلول؛ یک عکس یا یک پرده نقاشی نشانه‌های شمایلی هستند. این نوع نیز به دو دسته تصاویر و نمودارها قابل تقسیم‌اند. در تصاویر شباهت اجزاء مطرح است، اما در نمودارها شباهت مناسبات درونی اجزاء اهمیّت می‌یابد. تأویل از راه تبدیل هر نشانه به نشانه‌ای شمایلی امکان‌پذیر است.

۲- نمایه: در نمایه مناسبت دالّ و مدلول رابطه‌ای است علّت و معلولی؛ دود نشانه وجود آتش است، بادنما نشانه مسیر باد.

۳- نماد: در اینجا رابطه میان دالّ و مدلول رابطه‌ای است قراردادی؛ همچون نشانه‌های زبانی (الفاظ)؛ واژه گُل بنا به قراردادی معنای گُل می‌دهد. همچنین بنا به قراردادهایی دلالت‌های خاصی در فرهنگی ساخته می‌شود: پوشیدن لباس مشکی علامت عزاست، برداشتن کلاه از سر نشانه احترام است و ... .(احمدی، ۲۵-۲۸)

اگر نمادها درست رمزگشایی نشوند، سوءتفاهم حاصل می‌شود یا اصلاً تفاهمی رخ نمی‌دهد. برخی نشانه‌ها جهان شمول‌اند و برخی خاص یک فرهنگ مشخص؛ در نتیجه به هنگام تحلیل نشانه‌شناختی لازم است به این امر توجه شود که نشانه‌های فرهنگی خاص را باید از دل همان فرهنگ و متناسب با آن تفسیر نمود.

بسیاری از نشانه‌های کلامی یا غیر کلامی نیمه صریح یا غیر صریحند. نشانه‌های زبانی تقریباً معین و محدودند، اما نشانه‌های تصویری نامحدودند و بسیاری از آنها مبهم و غیرصریحند. در تصویر زنجیره شناور مدلولها پیش می‌آید که باید بتوان بسمت خاصی هدایت کرد. نشانه‌ها از هم جدا نیستند و با هم رابطه ساختاری و تنگاتنگی دارند و در مجموع نظام‌های نشانه‌ای را می‌سازند.

۷- نشانه‌شناسی ابزار تبدیل بینانشانه‌ای

در تبدیل بینانشانه‌ای، رسانه‌های دو سوی تبدیل کاملاً متفاوت تعریف می‌شوند و در نظام‌هایی قرار دارند که ماهیتاً سنخیتی با هم ندارند؛ مثلاً وقتی می‌خواهیم متنی کلامی را

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

به متنی تصویری تبدیل کنیم، بخاطر تفاوت ذاتی نظام کلام و تصویر، امکان چنین تبـدیلی بطور مستقیم وجود ندارد. نشانه شناسی با کمک بـه ادراک عمیـق‌تـر و دقیـق‌تـر عناصـر موجود در رسانه‌های دو سر تبدیل، به عنوان ابزاری آن‌ها را به هم مرتبط می‌سـازد. علـم نشانه شناسی با امکاناتی که در اختیار دارد، می‌تواند نقش واسطه و مبدل را برعهده بگیرد. به این صورت که دالّ و مدلول و رابطه بین آن دو، در مبدأ تبدیل با کمـک نشـانه شناسـی کشف می‌گردد، سپس با تفسیر رابطه بین دالّ و مدلول و با کشف مفهوم نمایـه، موضـوع و مصداق نشانه مشخص می‌گردد. (نکـ : سجودی، ۲۷) این مصداق به رسـانه مقصـد منتقـل شده و با کمک رمزگان (سیستم نشانه‌شناسی) آن رسانه، معادل یابی می‌شود. در این میـان علوم بازشناختی زبان مقصد هم فعال شده، در تشخیص معادل‌های درست بـه کـار گرفتـه می‌شود. به این واسطه هدف تبدیل حاصل می‌گردد و متنی متعلق به یک رسانه بـه معـادل آن در رسانه‌ای دیگر تبدیل می‌شود.

بر این اساس مشخص می‌شود که علم نشانه شناسی با در اختیار قراردادن روش و ابـزار کـار، نقشی راهبردی در تبدیل بینانشانه‌ای دارد و رابطه‌ای وثیق و مستحکم با آن برقرار می‌کند.

۸- تبدیل بینانشانه‌ای در کتب مقدس

در باره کتاب‌های مقدّسی مانند قرآن که از منبع فیض الهی صادر شده است، لازم است ملاحظات بسیاری را رعایت نمود. در این گونه تبدیل‌ها باید اصولی خاص رعایت شود تا حق مطلب رعایت گردد. البته درباره قرآن بدیلی مطلق و جایگزین که تمام کمالات قـرآن را بنمایاند و اعجاز و محتوای آن را به صورت کامل در زبان مقصد منعکس سازد، امکـان پذیر نیست؛ چراکه در آن صورت قرآن جدیدی تولید می‌شود که این امر با تحدّی قرآن در تضادّ است (نکـ : رضایی اصفهانی، ۶۰). برای جبران این نقیصه‌ی قهری، راه هـایی وجـود دارد؛ از جمله این که متن آیات قرآن (بـه همـان صـورتی کـه نـازل شـده) در مجـاورت محصولات منتج شده بیاید.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

به هر حال در جهت قرابت هرچه بیشتر تبدیلات بینانشانه‌ای متون مقدس به متن مبدأ اصول و روش‌های مربوطه باید رعایت گردد. درباره قرآن اصول متعددی در این خصوص قابل بیان است؛ این اصول را در چند دسته زیر می‌توان بیان کرد:

الف- اصول تبدیل بینانشانه‌ای بر اساس مشخصات عمومی قرآن.

ب- اصول تبدیل بینانشانه‌ای بر اساس زمینه‌سازی هنری ویژه قرآن.

ج- اصول مرتبط با ماهیت و فرایند تبدیل قرآن و شرایط و وظایف مترجم آن.

د- اصول مرتبط با مقصد تبدیل بینانشانه‌ای قرآن.

در هر یک از این دسته‌ها چندین اصل وجود دارد؛ متلاً در دسته‌ی الف اصول زیر را می‌توان نام برد:

۱- در نظر گرفتن شأن متکلم قرآن؛ متکلم قرآن دارای معرفت و حکمت مطلق است، پس تصاویری حکیمانه و پر مغز ارایه داده است.

۲- در نظر گرفتن شان کلام قرآن؛

۳- وحیانی بودن قرآن؛ پس شایسته است تبدیل و تصویری متعالی از مفاهیم قرآن ترسیم گردد.

۴- توجه به معجزه بودن قرآن؛ نه قرآن و نه هیچ یک از سوره‌هایش نسخه‌ای دیگر ندارد. تصاویر قرآنی نباید اعجاز لفظی یا معنایی قرآن را زیر سوال ببرند.

۵- صیانت و حفظ قرآن از تحریف؛ هر نتیجه‌ای که اصالت و وثاقت قرآن را مخدوش کنند، ممنوع است.

۶- عدم نفوذ باطل در قرآن؛ نتایج و تصاویری که باطلی را به قرآن راه دهند، جایز نیست

۷- ملاحظه جامعیت و آینده‌نگری قرآن.

۸- در نظر گرفتن سبب و شان نزول آیات و سوره‌ها؛ در هنگام تصویرگری از آیات و سوره‌هایی که داری سبب نزول هستند به معنا و مفهوم لفظی آیات بسنده نشود و سبب نزول آیه نیز لحاظ گردد.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

۱۰- زبان قرآن زبان هدایت است. مفهوم این سخن آن است که تصاویر محسوس قرآن در خدمت ابعاد هدایتی آن قرار دارد و تصویرگر قرآنی در تبدیل بینانشانه‌ای به این اصل مهم توجه کافی مبذول دارد.

۱۱- توجه به معنای سیاقی آیات.

۱۲- اهمیت دادن به مصادیق ثانویه آیات.

۱۳- عدم امکان رویت بعضی از مقوله‌های قرآنی؛ مانند خداوند، فرشتگان، ارواح و .... البته با کمک برخی آیات می‌توان تصویری مجازی و اشاری و نمادین به این مقولات داشت.

۱۴- توجه به معانی باطنی در کنار معانی ظاهری؛ قرآن کریم علاوه بر معانی ظاهری، دارای معانی عمیقی است.

و ... .

طبعاً در این راه بهره بردن از مفسران اصلی قرآن، پیامبر اکرم(ص) و اهل البیت(ع)، ضروری است و نتایج کار باید با عقل سلیم و علم یقینی انطباق کامل داشته باشد. همچنین لازم است از تفسیر به رأی مذموم پرهیز شده، نظر شخصی بر قرآن تحمیل نگردد.[۱]

۹- رسانه مقصد در تبدیل بینا نشانه‌ای

وقتی رسانه‌ی مبدأ در تبدیل بینا نشانه‌ای از نوع کلامی است، رسانه‌ی مقصد لزوماً باید غیر کلامی باشد تا در جرگه چنین تبدیلی قرار گیرد. موارد زیادی را تحت این عنوان می‌توان نام برد؛ اما پرکاربرد ترین و مهمترین آنها، انواع هنرهای تجسّمی، همچون تصویرگری، فیلم، پویانمایی و ... می‌باشد که می‌توانند پیام‌های مکتوب را به صورتهایی جذّاب و مؤثر به مخاطبان ارائه دهند.

---

۱. این موارد و بیشتر از آن در مقاله‌ای با عنوان "مقدمه‌ای بر اصول ترجمه بینانشانه‌ای قرآن" از نگارندگان مقاله جاری، در دست چاپ است.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

۹-۱. تصویر؛ مقصد مهم تبدیل بینانشانه‌ای

تصویرسازی از قدیمی‌ترین هنرهاست. این هنر، پایه و اساس بسیاری از هنرهای دیگر می‌باشد؛ در نقاشی، عکاسی، پویانمایی، فیلم سازی و غیره، تصویرگری نقشی اساسی دارد. بنابراین در موارد زیادی، در تحصیل و تحلیل مقاصد تبدیل بینا نشانه‌ای کاربرد دارد؛ غالباً تصویر، نسبت به نوشته و صوت، نشانه‌های بیشتری دارد و مفاهیم گسترده‌تری را منتقل می‌کند که در انتقال از زبان تصویر به زبان نوشتاری، انسان را مجبور به اطناب در سخن می‌کند و برعکس هنگام انتقال از زبان نوشتاری به زبان تصویر، تصویرگر دچار مشکل کمبود داده می‌گردد.

واژه "تصویر" واژه‌ای است که به ذهن نزدیک است، اما به راحتی نمی توان معنایی جامع، دقیق و ساده از آن بیان نمود؛ هرکسی از زاویه‌ای به معنای آن پرداخته است. اولین و پرکاربرد ترین معنای تصویر بدین بصورت است: "صورت و شکل قرار دادن برای چیزی و نقش کردن و رسم نمودن چیزی". (دهخدا، ۲۱۷۹/۵؛ معین، ۴۶۰/۱؛ قرشی، ۱۶۲/۴)

معانی دیگر شامل "آفریدن" (دهخدا، ۲۱۷۹/۵) "صورتگری، صورت سازی، صورتی که بر کاغذ، دیوار و غیره کشند، شرح دادن، شرح و بیان" (معین، ۴۶۰/۱) و امثال آن است.

در حوزه ادبیات نیز معانی متعددی برای تصویر ذکر گردیده است؛ مانند: "تصویر شیوه‌ای است دقیق و لطیف در توصیف حقایق که کلمات و حروف و حرکات با مدّ و شدّ مخصوص به خود و با نظمی ویژه در کنار هم قرار گرفته و کلمه و جمله‌ای را پدید می‌آورند که در احساس و خیال مخاطب، صورتی مجسّم و زنده از معنا را القاء می‌کند." (رمضان البوطی، ۱۷۴) و نیز: "تصویر ابزاری است که ادیب به وسیله آن اندیشه و احساس خود را هم زمان به خواننده یا شنونده منتقل می‌نماید." (الشایب، ۲۴۲).

از لحاظ قابل رؤیت بودن، دو نوع تصویر وجود دارد؛ یکی تصویر مادی و دیداری که قابل رؤیت با چشم است و دیگری تصویر معنوی و تصوّری که در ذهن ایجاد می‌شود و انسان آن را تجسّم و تخیّل می‌نماید. تقریباً تمام کسانی که درباره تصویر قرآنی کار کرده‌اند، نوع دوم آن را ملاک عمل قرار داده‌اند.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

لیکن دراین پژوهش، منظور از "تصویر" مجسّم ساختن متن است، متناظر با معنای آن به صورت ترسیمی؛ یعنی هم باید مبتنی بر متن و مرتبط با آن باشد و هم باید از توصیف صرف، گذر کند و به مرحله ترسیم برسد. پرواضح است که تصویری واقعی‌تر است که تعهّدش به متن بیشتر باشد و حتی الامکان تمام محتوای آن را در بر بگیرد.

لازم به ذکر است که تصاویر موجود در آیات قرآن دو گونه است:

الف- تصاویری که از محسوسات ایجاد می‌شود؛ مانند: باغ، رود، انسان، خانه، نور و....

ب- تصاویری که از غیر محسوسات شکل می‌گیرد؛ مانند: روح، فرشته، محبّت، ترس و ...

به دلیل تمرکز این پژوهش بر کشف و ارایه روش‌های تبدیل متنی به تصویری، به آن دسته از آیات قرآن عطف توجه بیشتری خواهد شد که مشتمل بر تصاویر حسی است. برای نیل به مقصود لازم است آیات تصویری محسوس تفکیک شده و تقسیم بندی قابل قبولی از آن‌ها ارایه شود.

۱۰- اهمیت و جایگاه مبانی هنرهای تجسمی

در تبدیل، شناختن مهارت و قواعد رسانه مقصد هم ضروری است و بدون آن امکان‌پذیر نیست؛ ناگزیر، تبدیل به رسانه‌ی تصویری نیز نیازمند شناخت الفبا و قواعد آن است. "مبانی هنرهای تجسّمی" چنین نقشی را ایفاء می‌کند؛ این علم را می توان به الفبا و قواعد درک زبان بصری و ایجاد اثر در هنرهای تجسمی و بصری تعبیر کرد. بنابراین تصویرگران لازم است به این علم توجه کافی داشته باشند. آنچه در قالب هنرهای تجسمی جای می‌گیرد عبارت است از همه هنرهایی که به صورت بصری ارائه یا دیده می‌شوند؛ مانند: عکاسی، گرافیک، نقاشی، طراحی و مجسمه‌سازی. بنابراین در مبانی هنرهای تجسمی الفبای تجسم یا تصویر کردن و همچنین درک آثار هنرهای تجسمی را ملاحظه خواهیم کرد. این الفبا که عناصر بصری نامیده می‌شوند، شامل نقطه، خط، سطح، حجم، شکل، بافت، رنگ و تیرگی- روشنی می‌باشند. (حسینی‌راد، ۱)

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

همچنین قواعد بصری که به آنها کیفیّات بصری گفته می‌شود، عبارتند از روابطی کـه در روند سازمان دادن (ترکیب) و نظم بخشیدن به عناصر بصری مطرح می‌شوند. این روابـط عمـدتاً شامل تعادل، تناسب، هماهنگی و ریتم می‌شود که از اهمیّت زیادی برخوردار هسـتند. زیـرا بـه واسطه وجود آنهاست که یک اثر هنری می‌تواند از وحدت و یکپارچگی و استحکام برخـوردار شود. پس باید به این روابط و تناسبات آن‌ها با یکدیگر به دقت توجه شود. (همانجا، ۱)

۱۱- تصویر پردازی قرآنی

از مواردی که شرح آن ضروری است، بررسی میزان تصویر پردازی مـتن اسـت. شـاید تصور شود که هر متنی قابل پردازش تصویری است؛ ولی این سخن برای همه مـتن‌هـا در یک درجه از اعتبار نیست؛ گاهی متن مبدأ زمینه‌های تصویر سازی خوبی دارد، یا براحتی قابل انتقال به زبان تصویر هست و گاهی برعکس این سهولت و آن زمینه‌ها اندک می‌باشد.

قرآن، این منبع عظیم فیض الهی، در موارد متعدد، زمینه‌های تصویری بسیار شـگرف و زیبایی در انواع گوناگون در اختیار قرار می‌دهد. این زمینه ها، هر ادیب و هنرمند تیزبینـی را به شگفتی و تحسین وا می‌دارد. البته ادیبان از دید فصاحت، بلاغت وصناعات ادبـی بـه آن زمینه‌ها می‌نگرند ولی هنرمندان از دید تخصصی و زیبایی شناسانه خـود. لـیکن روش کامل‌تر آن است که هر دو دید مورد نظر باشد و محقق محدود به یک دید نگردد.

۱۲- انواع روشهای تبدیل بینانشانه‌ای

با بررسی انجام شده در بین منابع در دسترس، روشی منسجم و کامل که شـامل همـه انـواع تبدیل بینانشانه‌ای بوده و ثبت و تدوین شده باشد، پیدا نشد؛ روشی که مراحل این نوع تبـدیل را از مبدأ تا مقصد آن به طور کامل بیان کند. شاید دلیل آن در تفـاوت ذاتـی رسـانه‌هـای مبـدأ و مقصد و یا گستردگی و تنوع زیاد حالات این نوع از تبدیل باشـد کـه تولیـد چنـین روشـی را سخت می‌کند. البته روش‌ها و سبک‌هایی وجود دارند کـه بـرای یـک یـا چنـد نـوع از تبـدیل

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

بینانشانه‌ای معرفی شده‌اند و یا آنکه به بخشی از مراحل آن مربوط می‌باشند.

با جمع‌بندی نمونه‌ها و دقت نظر می‌توان دسته‌بندی‌هایی را برای این امر بدست آورد؛ مثلاً یک یا چند روش کلی بدون پرداختن به جزئیات؛ مانند روشی مشتمل بر مراحل زیر:

الف- کشف مفاهیم اولیه متن مبدأ با کمک منابع فهمِ زبان مبدأ.

ب- تدوین مسیر انتقال مفاهیم مبدأ، از فهم اولیه آن تا شکل گیری تصوّر ذهنی دقیق با لحاظ شرایط زمان، مکان و فرهنگ. (کشف نشانه‌ها)

ج- کشف معادل‌های تصورات ذهنی در زبان مقصد و تبدیل آن‌ها به عناصر زبان مقصد.

د- ترکیب مناسب عناصر پیش گفته با کمک قواعد دستوری زبان مقصد.

هـ- بازخورد گرفتن از ترکیب ایجاد شده و تحصیل تبدیل بینانشانه‌ای.

این یک روش کلی بود که به جزئیات نمی پردازد؛ حال اگر بخواهیم به جزئیات هم توجه کنیم، روش هایی قابل تحصیل است که برای انواع خاصی از تبدیل بینا نشانه‌ای می‌تواند مفید باشد؛ مثلاً در مرحله اول ابزارهای فهم یک متن در زبان‌های مختلف کلامی یا در زبان هنر بسیار متفاوت هستند و به تناسب هر یک، روش هایی قابل بیان است؛ یا مثلاً تنوع قواعد دستوری هر زبانی، کلامی یا غیر کلامی، می‌تواند زمینه روش‌های مختلفی را فراهم کند. البته این روش‌ها نمی تواند قابل تعمیم به همه انواع این نوع تبدیل باشد و منحصر در انواع خاصی از آن است.

هرچند این روش‌های انحصاری و محدود هم خیلی تدوین نیافته، اما با آینده‌نگری می‌توان آن‌ها را به دسته‌های زیر تقسیم کرد:

الف- روش‌های معطوف به مبدأ تبدیل (مرحله دریافت عناصر و داده‌های مبدأ): مشابه روش تحتاللفظی در تبدیل بین زبانی.

ب- روش‌های مطعوف به مسیر تبدیل (مرحله انتقال به معانی تصوّری ذهنی): شامل روش‌هایی که به زمان، مکان و فرهنگ متن مبدأ توجه دارند؛ از این دسته هنوز نمونه مشخصی یافت نشده است.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

ج- روش‌های مطعوف به مقصد تبدیل (مرحله تولید ستاده‌ها و دریافت نتیجه): انواع سبک‌های تصویرسازی و عکس‌برداری.

د- روش‌هایی که به گروه خاصی از تبدیل بینانشانه‌ای تعلّق دارند؛ مانند روش‌های فیلم سازی وقتی بر مبنای یک کتاب یا نوشته باشد؛ این روش‌ها تمام مراحل تبدیل بینانشانه‌ای را شامل می‌شود، اما منحصر به فیلم سازی است.

در ادامه چند نمونه از روش‌های معرفی شده مرتبط با بحث تقدیم می‌گردد:

پریرا (۲۰۰۸) بر اساس میزان تقید مقصد تبدیل به مبدأ آن، برای ترجمه (تبدیل) بینا نشانه‌ای از نوع داستان یا نوشته به تصویر، سه روش را اعلام کرده است؛ ۱- بازآفرینی عوامل متنی به صورت واقعی و دقیق؛ این روش مشابه روش تحت اللفظی است. ۲- تصویرنگاری با تأکید خاص روی عامل روایی؛ بدین شکل که تصویر ماهیتی روایت‌گر دارد. ۳- تصویرگری با وفق دادن تصویر با طرز تفکری خاص و یا یک رویه هنری؛ در این نوع تصویر پردازی عواملی همچون ایدئولوژی، فرهنگ، روابط قدرت و نژاد می‌توانند در تصویر مورد نظر نمود پیدا کنند (زاهدی، ۵۰). این روش‌ها نیز محدود به نوع خاصی از تبدیل، یعنی تبدیل تصویری تعریف شده است؛ لیکن قابل تعمیم به انواع دیگر تبدیل بینانشانه‌ای است.

در تقسیم‌بندی دیگری سه روش کلی برای تصویرگری بر مبنای متن معرفی شده است:

۱- شیوه انتزاعی: در چنین رویکردی، هنرمند چندان اعتنایی به ظاهر، جزئیات و اشیای قابل تشخیص ندارد و سعی می‌کند از بازنمایی و شباهت با دنیای واقعی دوری کند. وی با استفاده از «عناصر ذهنی» مثل جهت، موقعیت، فضا و جاذبه اقدام به تصویرسازی می‌کند. هنرمند خط، نقطه، سطح، رنگ و بافت را به سخن وامی دارد تا یک معادل بصری خلاق برای تصویرسازی متن ارائه کند.

۲- شیوه رمزی یا سمبلی: شیوه رمزی، بیان مادی (بصری و زبانی) امور رازآمیز، نادیدنی و فراطبیعی، با استفاده از نمادها و نشانه‌هاست. این نوع از تصویرگری بر چیزی

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

غیر خود دلالت دارد و غالبا برای متونی مناسب است که برخوردار از لایه‌های درونی و مفاهیم ذهنی باشند.

۳- شیوه واقع نمایانه: در این رویکرد، تصویرگر نمی خواهد چیزی بیش از ظرفیت متن را به مخاطب القا کند، بلکه می‌کوشد به فضای ذهنی نویسنده آن قدر نزدیک شود که تصاویر و کلمات در یک هماهنگی با یکدیگر حرکت کنند (اردکانی زاده).

از آن‌جایی که تصویرگری، اساسی برای پویا نمایی و فیلم سازی می‌باشد، پس روش‌های مذکور قابل تعمیم به آن هنرها نیز می‌باشند؛ اما به هر حال، روشهای مذکور صرفاً معطوف به مقصد تبدیل بینا نشانه‌ای بوده و روش هایی ناقص و محدود هستند. نمونه‌های عملی این روش‌ها بسیار متنوع و متعدد می‌باشند؛ روشهایی که مرتبط با تصویر سازی، پویا نمایی، فیلم‌سازی، مستند سازی، موسیقی، مجسمه تراشی و ... می‌باشند؛ مثلاً فقط ده‌ها روش برای پویانمایی وجود دارد؛ مثل خراش روی فیلم خام، ساخت عناصر با کاغذ یا مقوا، فیلم برداری از عروسک‌ها و ماکتها، نقاشی روی شیشه، پویانمایی ماسه و... .

۱۳- روش پیشنهادی تبدیل بینا نشانه‌ای با مبدأ قرآن

در حوزه کتب مقدس روش‌های مختلفی وجود دارند؛ لیکن اغلب آنها تحت عنوان تبدیل بینانشانه‌ای ثبت نشده اند. در ارتباط با اهل کتاب به خصوص مسیحیت، روش تصویری ویژه‌ای با عنوان سورئال[1](فراواقعی) وجود دارد که عموماً در مکان‌های مقدّس مانند کلیساها تصویر شده است؛ همچون کلیسای وانک اصفهان که تصاویر بهشت و جهنّم در دیوار یا سقف آن ترسیم شده است. در اسلام روش‌های مختلفی در عمل استفاده شده؛ اما در این حوزه ثبت و تدوین نشده است؛ مانند: تصویرگری پرده حوادث عاشورا، نمایش تعزیه و ... . در این میان، با مبدأ قرآن نیز روش‌هایی در عمل وجود دارند که به تبدیل بینانشانه‌ای نام‌گذاری و تدوین نشده‌اند و طبعاً ملزومات آن را رعایت نکرده‌اند؛ مانند قصه سرایی قرآنی، تصویر

1. Surreal

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

گری قرآنی و فیلم‌سازی قرآنی. این موارد و مواردی از این دست، نه تنها از لحاظ روش به روش‌های تبدیل بینانشانه‌ای مقید نیستند، بلکه الزاماً اصول آن را نیز رعایت نکرده‌اند.

در این قسمت روشی نو در تبدیل بینانشانه‌ای با مبدأ قرآن ارائه می‌گردد. این روش در عرض روش‌های دیگر نیست؛ بلکه در طول آن‌ها بوده، از همه ظرفیت‌ها و نکات مثبت آن‌ها استفاده می‌کند. در این رویکرد، از علوم و مهارت‌های مختلف، مانند نشانه شناسی، مبانی هنرهای تجسمی، ادبیات، تفسیر، معناشناسی، هرمنوتیک، روانشناسی و ... می‌توان بهره گرفت. در این روش سعی شده علاوه بر رعایت صحت تبدیل آیات به نظام نشانه‌ای تصویری، الگویی جدید برای این کار، با توجه به تفسیر آیات و نیز دستاوردهای جدید علمی، ارایه شود. زمینه اصلی آن تبدیل آیات قرآن به تصویر است ولی با شیوه مشابه سازی می‌تواند قالبی برای زمینه‌های دیگر هم باشد.

مراحل پیشنهادی این روش به این صورت است که با شناسایی و تجزیه و تحلیل تصاویر موجود در آیه طی مراحل ده گانه، به کشف تصویر مقصد تبدیل بینا نشانه‌ای آیات قرآن کریم کمک می‌کنیم. مراحل ده گانه مزبور در دو بخش به شرح ذیل دسته بندی می‌گردد:

بخش اول: توصیف و تبیین تصاویر قرآنی طی این چند مرحله:

۱. تبیین دقیق آیه بر اساس نکات ادبی، به ویژه نکات بلاغی

۲. بیان تعداد تصاویر موجود در آیه

۳. تبیین ویژگی‌های درون هر تصویر، بر اساس ویژگی‌های هنری

۴. تبیین ارتباط تصویر و یا تصاویر موجود در آیه با سایر تصاویر مرتبط

بخش دوم: تعیین عناصر و کیفیّات بصری تصویر شامل موارد زیر:

۵. یافتن و معرفی عنصر اصلی و مرکزی تصویر و عناصر فرعی (هنرمند باید عنصر کانونی و سایر عناصر تصویر را یافته و در هنگام طراحی به این نکته توجه داشته باشد که کدام عنصر اصلی و کدام فرعی است؛ مثلاً در ابعاد، برجسته‌سازی، عمق بخشی و... متوجه این موضوع باشد)

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

۶. جایگذاری عناصر بر اساس ویژگی‌های آنها (هنرمند باید در هنگام طراحی اولیه، جایگذاری مناسبی برای عناصر داشته باشد؛ مثلا کدام عنصر در مکان بالا قرار گیرد و کدام در مکان پایین صفحه؟)

۷. در نظر گرفتن جهت عناصر در تصویر(هنرمند باید تشخیص دهد که هر عنصر به کدام سمت تمایل و اشاره دارد؛ مثلاً اگر تصویر به نحوی وجه دارد، توجه آن به کدام سمت است؟)

۸. توجه به کیفیات بصری در هنگام طراحی و تصویر گری همچون ترکیب کردن، متناسب‌سازی، تعادل بخشی، هماهنگی، نواخت (ریتم)، کنش و میان کنش، حرکت، مرکزیت و جهت پذیری، گستردگی، ارتجال و قابل پیش‌بینی بودن، توازن، تقارن، تباین، جنسیت، وحدت، در هم تنیدگی و گره خوردگی، ساختارگرایی، هندسه و تناسبات هندسی و پرنقش بودن فضا و... در بازآفرینی تصویر، تا گویای مفاهیم دقیق تری از آیات باشند.[۱]

۹. تبیین و تشریح تبدیل دقیق بینانشانه‌ای؛ یعنی بیان همه ویژگی‌های تصویری که از متن و قرائن آن به دست می‌آید و تبیین انتقال کامل آن نشانه‌ها به نشانه‌های بصری(هنرمند لازم است در طراحی خود همه اجزاء و ویژگی‌های تصویر را در نظر بگیرد؛ بسیاری از تصاویر قرآنی طراحی شده به صورت ترسیمی و گرافیکی، همه مولفه‌ها و ویژگی‌های مفاهیم آیات را نشان نمی‌دهند)

۱۰. تشکیل خانواده تصویر[۲] (هنرمند لازم است با توجه به تشکیل خانواده تصویر که از تصاویر هم مضمون به دست می‌آید به طراحی تصویر بپردازد)

با جمع بندی و نتیجه گیری هایی که از توصیف و تحلیل تصویری آیات بدست می‌آید، انتظار می‌رود که نتیجه نسبتاً درستی از تبدیل بینا نشانه‌ای قرآن کریم کشف گردد و الگوی مناسبی را در اختیار طراحان، نقاشان، پیکرتراشان و گرافیست‌ها و در مراحل بعدی فیلم‌سازان و پویا نمایان قرار دهد تا آثار هنری خلق شده بدیل کامل‌تری از تبدیل

---

۱. لازم به ذکر است که کیفیّات بصری محدودیت خاصی ندارد و هنرمند می‌تواند کیفیّات بصری جدیدی معرفی نماید.

۲. عبارت خانواده تصویر در این پژوهش به مجموعه تصاویر مرتبط گفته می‌شود که برخی از آنها اصلی، برخی فرعی و بعضی مشابه و گروهی نیز مکمل یکدیگرند.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

بینانشانه‌ای بوده و بیشترین همخوانی و سازگاری را با متن قرآن داشته باشند. ایشان می‌توانند به تناسب از هریک از روشها و سبکهای هنری برای بهبود کار خویش بهره ببرند.

برای ادراک و بیان محتوای آیات از تفاسیر متعددی می‌توان بهره برد؛ لیکن تفاسیری که جنبه ادبی، بلاغی و هنری بیشتری دارند؛ مانند: الکشّاف زمخشری، مجمع البیان فی علوم القرآن، فی ظلال القرآن کمک بهتری به کشف تصاویر آیات و در نتیجه تبدیل بینانشانه‌ای آن‌ها می‌کنند.

۱۴- نمونه تحلیل تصویری آیه

برای درک بهتر روش پیشنهادی یاد شده، آیه زیر به عنوان مثال قرآنی ارایه می‌گردد :

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فیها أَنْهارٌ مِنْ ماءٍ غَیْرِ آسِنٍ وَ أَنْهارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ یَتَغَیَّرْ طَعْمُهُ وَ أَنْهارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبینَ وَ أَنْهارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّی وَ لَهُمْ فیها مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ وَ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ کَمَنْ هُوَ خالِدٌ فِی النَّارِ وَ سُقُوا ماءً حَمیماً فَقَطَّعَ أَمْعاءَهُمْ (سوره محمد(ص)، ۱۵)

بخش اول:

۱- ترجمه فارسی آیه: داستان بهشتی که به متقیان وعده دادند این است که در آن باغ بهشت نهرهایی از آب زلال دگرگون ناشدنی است و نهرها از شیر بی آنکه هرگز طعمش تغییر کند و نهرها از شراب ناب که نوشندگان را به حد کمال لذّت بخشد و نهرها از عسل مصفّی و تمام انواع میوه‌ها بر آنان مهیّاست و (فوق همه لذّات) مغفرت و لطف پروردگارشان، (آیا حال آن که در این بهشت ابد است) مانند کسی است که در آتش مخلّد است و آب جوشنده حمیم به خوردشان دهند تا اندرونشان را پاره پاره گرداند؟ (ترجمه الهی قمشه‌ای، ۵۰۸)

نکات ادبی[۱]

ـ آیه تمثیل دارد؛ مشخصات بهشت را به چیزهایی که انسان می‌شناسد، تمثیل کرده است.

---

۱. با توجه به مباحث بلاغی کتاب جواهرالبلاغه نوشته احمد هاشمی، الاتقان سیوطی و چند جزوه مرتبط برداشت شده است. همچنین از تفاسیر مختلفی همچون تفسیر شریف المیزان و نمونه نیز استفاده شده است.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

– از صنعت طباق استفاده کرده است؛ "مُتقون" را در مقابل "مَن هو خالدٌ فی النار"، "الجَنة" در مقابل "النّار"، "ماءٍ غیر آسن" را در مقابل "ماءً حمیما" قرار داده است.

– از صنعت تقسیم استفاده کرده است؛ انواع تقسیمات آبهای بهشتی را بیان فرموده است.

– از صنعت جمع استفاده کرده است؛ پس از بیان تقسیمات، با عبارت "کُلّ الثمرات" جمع زده است.

– از صنعت استطراد استفاده کرده است؛ ابتدا برخی نعمات مادی بهشت را برمی شمارد، سپس از مقصود اولیه فراتر رفته و نعمت معنوی غفران الهی را بیان می‌کند.

– با توجه به مجهول بودن فعل "وُعِد" که طبعاً فاعلش معین نشده، می‌توان فعل وعد را به وعده دهندگانی که صلاحیت چنین وعده‌ای دارند، همچون خداوند، فرشتگان، پیامبران و امامان منتسب کرد.

– با فعل مجهول "سُقوا" به اجبار جهنمیان در خوردن چنان آبی اشاره فرموده است. (مکارم شیرازی، ۴۴۴/۲۱)

– سطح و کیفیت نعمات بتدریج بالا می‌رود تا به غفران الهی می‌رسد.

– و...

۲– تعداد تصاویر

– تصویر زمانی که به متّقون وعده داده می‌شود.

– دو تصویر اصلی بهشت و جهنّم.

– تصاویر درون بهشت شامل چهار گروه از آبها.

– تصویر ثمرات.

– تصویر معنوی غفران الهی.

۳– ویژگی‌های هر تصویر[۱]

– در تصویر متقون، با تأمّل در مفهوم تقوا در منابع اسلامی و اثرات ظاهری آن در

---

۱. از این بند به بعد با توجه به مفاهیم آیات مرتبط و معانی لغات و ارتباطات منطقی و عرفی بین موضوعات، حاصل شده که برای جلوگیری از اطناب سخن از ذکر آنها پرهیز گردیده است.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

متقین و با توجه به نعمتهای عطا شده بـه ایشـان کـه سرشـار از پـاکی و سـلامت اسـت، ویژگی‌های محسوس ایشان همچون پاکیزگی، آراستگی، نظم و سادگی مشخص می‌گـردد. همچنین با کمک آیات مرتبط، گروههای متقین معین می‌شود که می‌تواند در تصویر لحـاظ گردد. شاخص ترین کسانی که وعده دهنده به متقین هستند، پیامبرانند که چهره ایشـان تـا حدی قابلیت تصویری دارد.

– در تصویر بهشت ویژگیهای زیر طرح یا اشاره شده است:

با توجه به مفهوم جنت، درختان انبوه با سایه هایی مصـفّا و هـوایی بـا طـراوت قابـل تصور است. در اینجا تصویر بهشت، چهار بخـش فرعـی مشـابه بـه هـم دارد کـه همگـی رودهایی را به تصویر می‌کشند. درون بهشت هر نـوع ثمـره و میـوه‌ای وجـود دارد. همـه متقیان از آنها بهره می‌برند (لهم). هر تصویر فرعی ویژگیهایی دارد؛ در تصویر اول زلالـی و گوارا بودن آب، در تصویر دوم عدم تغییر طعم شیر (با حالت یا رنـگ شـیر یـا بـا حالـت نوشندگان آن قابل تصویر است)، در تصویر سوم لذّت نوشندگان و در تصویر چهارم پـاکی و بدون موم بودن عسل. این چهار تصویر چهار سطح از نعمـات را بیـان مـی‌کنـد؛ حیـات بخشی (ماء)، تغذیه (لبن)، لذّت (خمر)، تقویت (عسل). این چهار نهر با چهار آهنگ موزون جدا بیان شده است؛ مثل ماء و آسن.

– در تصویر جهنّم اولین ویژگی عذاب آتش است که دردناک تـرین زخمهـا را ایجـاد می‌کند، با علاوه نمودن خلود در آتش، قعود و سکون و افسردگی را نیز اضافه نموده است. در آنجا بجای آن چهار آبی که در بهشت در اختیار است، آب جوشنده حمیم وجـود دارد که جهنمیان به خوردن آن مجبور می‌شوند؛ پس از خوردن آن، بند بنـد وجودشـان از هـم می‌گسلد و منقطع می‌گردد.

۴– ارتباط تصویر:

تصویر کلی این آیه، با آیه ۳۵ سوره رعد تشابه زیادی دارد. بـا کمـک آن، ایـن نکتـه حاصل می‌شود که خوردنیها و سایه بان در آن بهشت موعود دائم و همیشگی است.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

– این آیه مبیّن آیاتی است که دارای عبارت "**جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهار**" می‌باشند.

– تصویر وعده به متقیان در این آیه خیلی کلی است. آیات دیگری در قرآن با تصاویری روشن‌تر و با جزئیات بیشتر آن را شرح می‌دهند؛ از جمله آنها آیات ۱۲۲سوره نساء، و ۷۲ سوره توبه می‌باشد.

– در قرآن نهرها و چشمه‌های بهشتی دیگری نیز معرفی شده‌اند؛ مانند: **عَیْناً یَشْرَبُ بِها عِبادُ اللَّهِ یُفَجِّرُونَها تَفْجیراً** (سوره انسان، ۶) و **عَیْناً فیها تُسَمَّی سَلْسَبیلاً** (سوره انسان، ۱۸) و **عَیْناً یَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ** (سوره مطففین، ۲۸) و سوره الرحمن، ۵۰و ۶۶ ، (سوره غاشیه، ۱۲) و ...

– ثمرات و میوه‌های بهشتی نیز در جاهای دیگر قرآن مطرح شده اند؛ مانند؛ سوره بقره، ۲۵، سوره دخان، ۵۵، سوره الرحمن، ۱۱، ۵۲، ۶۸، سوره واقعه، ۲۰ و ۳۲ و ...

– آبهای مورد استفاده جهنمیان در آیات دیگری نیز طرح شده‌اند؛ مانند: **تُسْقی مِنْ عَیْنٍ آنِیَةٍ** (سوره غاشیه، ۵)

بخش دوم:

۵– یافتن عنصر اصلی:

– عنصر اصلی آن قسمت از تصویر است که محور اصلی آن می‌باشد و محتوای آیه پیرامون آن است. در تصویر این آیه در بخش بهشت انواع نهرها عناصر اصلی هستند.

– در بخش جهنم، ماء حمیم عنصر اصلی است.

نکته: از تصویر لحظه وعده دادن صرف نظر شده است.

عناصر فرعی:

– عناصر فرعی قسمتهایی از تصویر هستند که موضوع اصلی تشخیص داده نمی شوند ولی مرتبط با موضوع اصلی هستند. این عناصر ممکن است در آیه به آنها بطور مستقیم یا غیرمستقیم اشاره شده باشد، یا آنکه بدون هیچ اشاره ای، از محتوای سخن عقلاً یا عرفاً تشخیص داده شوند. در بخش بهشت عناصر فرعی مختلفی وجود دارند؛ از جمله: درختان انبوه، انواع میوه‌ها و خوراکیها، آسمان نیلگون و مصفّا، وزش نسیم، انسانهای متقی در حال

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

استفاده از فضای بهشت، گلهایی که اطراف نهرها روییده و نشان از تازگی، سلامت و قـوت نهرها دارند و ...

– از جمله عناصر فرعی بخش جهنم، به نحو احتمال، می‌توان به این موارد اشاره نمود: جهنمیانی که بدلیل خلود در آتش، معذّب، بی پناه و افسرده هستند، مأموران عذاب کـه بـه زور آبی سوزان و کشنده به جهنمیان می‌دهند، قطعه قطعـه شـدن اعضـای بـدن جهنمیـان، سکون و تیرگی و کثیفی در آب جهنم به همراه غل غل زدن، نشانه‌هـای عـذاب و نـابودی اطراف این آب و ...

۶- جایگذاری عناصر:

– با توجه به اینکه جهنم جایگاه اصحاب الشمال می‌باشد و نامه عمل ایشان در دسـت چپ‌شان است و اینکه ایشان دارای شأن پـایینی هسـتند، همچنـین بـا توجـه بـه دیـدگاه عمومی، تمام تصویر جهنم پایین صحنه یا متمایل به چپ باشد. جهنمیان هم بصورت دست و پا بسته باشند و مأموران عذاب نیز مسلّط بر آنان باشند.

– تمام تصویر بهشت در بالای جهنم و متمایل به راست. دسـته‌هـای نهرهـا بـه همـان ترتیب آیه از پایین به بالا تصویر شوند؛ نهرهای آب پایین، بالای آن نهرهـای شـیر و ... . در بالاترین سطح غفران الهی می‌باشد. درختان با انواع میوه‌هایشان در اطراف نهرها باشند. گلهای زیبا در لبه‌های نهرها روییده باشند. در جاهای مختلف تصویر جمعهای بهشـتیان در حال تنعّم آزادانه تصویر گردند.

۷- جهت عناصر:

– در تصویر جهنم سمت نگاه جهنمیان پایین و چهره شان بسمت بهشـت اسـت؛ آنهـا از اعمال شان خجالت زده‌اند و در فکر فرورفته‌اند و تمایل شدیدی بـه بهشـت دارنـد. در عـین حال خواهان نگاه به بالا و درخواست نجات هستند. آلودگی آب جهنم بسمت پـایین بیشـتر است (عذاب بیشتر برای طبقات پایین‌تر). آنهـایی کـه بصـورت خوابیـده عـذاب مـی‌شـوند، سرهایشان بسمت پایین و پاهایشان بسمت بالاست. تیرگی صحنه بسمت پایین بیشتر است.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

– در تصویر بهشت نهرها بصورت آبشارهای کوچک و در اختیار و روان، متمایل به سمت راست صحنه هستند. صورتهای بهشتیان بسمت یکدیگر و متمایل به بالا می‌باشد، تا نشانه‌های شکر در آنها تداعی شود. درختان انبوه متمایل بسمت یکدیگر؛ گویا سالنها و غرفه‌هایی در زیر درختان تشکیل شده است. گلها شکفته شده بسمت بهشتیان، گویی می‌خندند.

۸- کیفیّات بصری:

– وجود تباین و تضاد کلی بین فضای بهشت و فضای جهنم. فضای بهشت روشن، رنگارنگ، با نشاط و شاد، فضای جهنم تیره، بی‌رنگ و افسرده و دلگیر.

– صحنه بهشت و جهنم گسترده بوده محدود نشود.

– نشانه‌هایی از نظم در صحنه بهشت و بی‌نظمی در صحنه جهنم دیده شود.

– تصویر بهشت عمیق، چند لایه و زیبا باشد و زیبایی آن بسمت بالا بتدریج بیشتر گردد.

– چهار دسته نهر بهشتی در چهار صحنه متعادل و متوازن ترسیم شود.

– رنگ آبها متناسب با محتوایشان باشد ولی همگی گوارا، خالص و لذیذ باشند.

– قیافه و ترکیب ظاهری مأموران عذاب با وظیفه‌شان متناسب باشد. جهنمیان نیز چهره‌هایی متناسب با فضای جهنم داشته باشند. عکس این حالت در بهشت باشد؛ چهره‌هایی جوان، شاداب، زیبا و ... .

– نشانه‌هایی از چهره دنیایی بهشتیان و جهنمیان دیده شود.

– بخشهایی از تصویر بگونه‌ای ترسیم شود که امکان تصور خلاّقانه برای بیننده فراهم گردد؛ خود قرآن هم همه زوایای صحنه‌ها را روشن نمی‌سازد. (ارتجال یا امکان بداهه‌پردازی)

– ...

۹- دقت در تبدیل بینا نشانه‌ای قرآن:

همانگونه که می‌دانیم تبدیل بینانشانه‌ای زمانی درست و کامل خواهد بود که بتواند به نحو شایسته، تمام مفاهیم زبان متن را به زبان تصویر منتقل نماید؛ طبعاً برای اینکار دقت کافی باید صورت پذیرد (البته مشخص است که همه مفاهیم قابلیت تصویری ندارند).

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

– در تصویر این آیه نمایش صحنه وعده دادن به متقیان، صحنه‌های آبها، صحنه‌های ثمرات و صحنه جهنّم با بسیاری از جزئیات و مشخصات بیان شده، مواردی است که لازم است تصویر گردد.

– نمایش مواردی چون نسیم بهشت، درختان در هم فرورفته و گلهای حاشیه نهرها ضروری نیست ولی به کیفیت تصویر کمک می‌کند.

۱۰– خانواده تصویر:

با نظم بخشیدن به آیاتی که در قسمت ارتباط تصاویر بیان شد، می‌توان طرحهایی از خانواده تصویر را ایجاد نمود.

– عبارت "**جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهار**" تصویری کلی از این خانواده می‌دهد.

– آیه ۳۵ سوره رعد به علت تشابه زیادی که با این آیه دارد، می‌تواند خواهر خوانده آن محسوب شود.

– آیاتی که تصویر وعده به متقیان را بیان می‌کنند، پدر خوانده تصویر مربوطه در این آیه تلقّی می‌شوند؛ چون به مقدمات و ریشه‌های آن اشاره دارند.

– آیاتی که نهرهای مشابهی را بیان می‌کنند، فرزند خوانده‌های این آیه در نظر گرفته می‌شوند.

– تصویر ثمرات در این آیه بدلیل نقش جمع کنندگی اش می‌تواند نقش مادر خوانده تصویر آیاتی باشد که انواع ثمرات و میوه‌ها را بیان می‌کنند.

– آبهای مورد استفاده جهنمیان در آیات دیگری نیز طرح شده‌اند که می‌توانند برادر خوانده تصویر آن در آیه مورد نظر باشند.

۱۵– چالش‌ها

به نظر می‌رسد در انجام تبدیل بینانشانه‌ای قرآن به خصوص با مقاصد تصویرگری و تبدیل صوتی آن، چالش‌های مختلفی پیش روی انسان خواهد بود. برخی از آنها به صورت زیر قابل بیان است:

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

۱- اجمالی بودن اغلب توصیفات تصاویر قرآنی؛ مانند: تصاویر بهشتیان و جهنمیان و فضای اطراف آنها.

۲- دشوار بودن تصویرگری برخی از مقوله‌ها مانند تصویرسازی امور نفسانی همچون ایمان، کفر، نفاق و غیره.

۳- محدودیت‌های بشری و درک نکردن واقعی پاره‌ای از مضامین قرآنی. مانند امکان نداشتنِ درکِ ماهیت و کنه خدای متعال، عالم غیب و غیره

۴- حفظ تقید به متن متعالی مبدأ همزمان با رعایت اثربخشی در مخاطب و رفع تعارضات میان آن دو.

۵- التقاط و دستکاری مفاهیم به هنگام تصویرگری: گاهی عمدا یا سهواً در مفاهیم آیات دستکاری و برای اغراض خاصی در نظر گرفته می‌شود و تصاویر ایجاد شده بر اساس آن اغراض تولید می‌شود. همانند گروه‌های تروریستی که مفاهیمی از آیات قرآنی را تصویرسازی کرده آن را منطبق بر عقاید و افکار انحرافی خود می‌کنند؛ در نتیجه تصاویری که خلق می‌شود، براساس آن اغراض باطل ایجاد می‌گردد.

۱۶- نتایج پژوهش

۱- نخستین چیزی که از این پژوهش برمی آید این است که موضوع تبدیل بینانشانه‌ای قرآن بسیار جای کار دارد، در حالی که بسیار کم به آن پرداخته شده است.

۲- روش‌های چنین تبدیلی جزو مهم‌ترین مقدمات آن به حساب می‌آید. این روش‌ها باید با توجه به مبانی چندین علم به خصوص علوم نشانه‌شناسی، بلاغت، هنرهای تجسمی، فلسفه هنر، تفسیر (به ویژه تفسیر هنری قرآن) و فرهنگ شناسی به کار رود.

۳- در این تبدیل به لحاظ اهمیت محتوای قرآن و شأن متکلم آن، ملاحظات زیادی باید رعایت شود تا معنا و مفهوم آیات به درستی منتقل شود؛ بنابراین روش مورد نظر باید بر پایه اصول تبدیل بینانشانه‌ای قرآن، تدوین و اجرا شود.

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

۴- استفاده از روش صحیح چنین تبدیلی، به همراه ملاحظه اصول آن می‌تواند نتایج مطلوبی در جهت فهم بهتر آیات، شفاف‌تر شدن جذابیّت‌های ذاتی قرآن و ایجاد انگیزه در افراد در جهت مستفید شدن از آن، به همراه داشته باشد.

۵- ارایه روش تبدیل بینانشانه‌ای قرآن می‌تواند علاوه بر نشان دادن جلوه‌های زیبای تصویری قرآن، هنرمندان تصویرگر را کمک کند تا تصاویر کامل‌تر و مقبول‌تری از آیات قرآن خلق نمایند و جذابیت‌های بصری قرآن را بهتر منعکس نمایند.

۶- از نتایج مهم این تحقیق، مراحل ده گانه تبدیل است که به عنوان روشی قابل قبول و اطمینان بخش برای تبدیل بینا نشانه‌ای قرآن پیشنهاد می‌گردد که علاوه بر مزایای زیاد، از آسیب‌های روش‌های دیگر مصون است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Downloaded from pnmag.ir at 23:53 +0430 on Thursday May 6th 2021

کتابشناسی

۱. قرآن کریم با ترجمه الهی قمشه‌ای، انتشارات فاطمه زهرا، ۱۳۸۰.

۲. استرتیناتی، دومینیک، مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک نظر، تهران، گم نو، ۱۳۸۸.

۳. پاکتچی، احمد، ترجمه بینانشانه‌ای از نظریه تا کاربرد (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۹.

۴. پیرحیاتی، محمد، مقدمه‌ای بر اساطیر، چاپ اول، تهران، دفتر نشر و پژوهش سهروردی، ۱۳۸۵،

۵. حسینی راد، عبدالمجید، مبانی هنرهای تجسّمی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، ۱۳۹۵،

۶. دهخدا، علی‌اکبر، فرهنگ لغت، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۴۲،

۷. راغب، عبدالسلام احمد، وظیفهٔ الصوره الفنیه فی القرآن، مترجم: حسین سیدی، کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم، تهران، سخن، ۱۳۸۷.

۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق ترجمه قرآن، چاپ دوم، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشرالمصطفی(ص)، ۱۳۹۱.

۹. رمضان البوطی، محمدسعید، من روائع القرآن، چاپ و ویرایش جدید، دمشق، دارالفارابی، ۱۴۲۷ق.

۱۰. زاهدی، صابر، جاذب، محسن، ترجمه بین نشانه‌ای و تحریف فرهنگی: بررسی موردی تصویرگری در ترجمه رباعیات خیام، تهران، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۱۳۹۳.

۱۱. ساسانی، فرهاد، نشانه‌شناسی چندبُعدی و هنر، فصلنامه‌ی فرهنگستان هنر، ش۶، ۱۰۱-۹۰، ۱۳۸۲.

۱۲. سجودی، فرزان، نشانه‌شناسی کاربردی، نشر علم، تهران، ۱۳۸۷.

۱۳. الشایب، احمد، اصول النقد الادبی، چاپ دهم، قاهره، مکتبة النهضة المصریه، ۱۹۹۴م.

۱۴. عباسی، آزاده، زبان تصویرآفرینی یکی از رموز جاودانگی قرآن، تهران، تعارف، ۱۳۹۳.

۱۵. فکوهی، ناصر، انسان شناسی شهری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳.

۱۶. قرشی، سید علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱.

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه. تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴.

۱۸. محمد قاسمی، حمید، جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.

۱۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی(معین)، تهران، ادنا (کتاب راه نو)، ۱۳۸۱.

۲۰. هاشمی، احمد، جواهرالبلاغه، ترجمه محسن غرویان، تهران، اندیشه مولانا، ۱۳۹۰.

۲۱. اردکانی زاده، محبوبه، روش‌های ۳ گانه خلق تصویر، ۱۳۹۸، به آدرس:

http://artographic.ir/fa/content/id/

۲۲. برونو اسیمو، دوره آموزشی ترجمه، ترجمه یونس دهقانی فارسانی، سایت لوگوس، بازیابی شده از

http://courses.logos.it/FA/index.html

23. Hume, David, An essay concerning Human understanding, 1690.

24. JAkobsón R. Language in Literature, Ed. by Krystyna Pomorska e Stephen Rudy, Cambridge (Massachusetts), Belknap Press, 1987.

25. JAkobsón R. On Linguistic Aspects of Translation, in Language in Literature, a c. di Krystyna Pomorska e Stephen Rudy, Cambridge (Massachusetts), Harvard University Press, p. 428-435. ISBN 0-674-51028-3, 1987.